

# گونه گون

(ماهنامه فرهنگی - اجتماعی)

دوره دوم

سال سوم - شماره ۲۷ - ژانویه ۲۰۰۹ - دی ۱۳۸۷

Gouné Goun

به هنگام جنگ

در این جنگ

من در کنار و همدل قریه‌ها هستم...

من در کنار و همدل آن مادرم.

من در کنار و همدل آن پدر بزرگم.

و آن هشت کودک پناه گرفته در یک مینی وانت.

من در کنار و همدل آن روسری ابریشمی سفید

هستم...

به نام همه کتاب‌های زیبایی که خوانده‌ام،

به نام همه بوسه‌هایی که داده‌ام،

چنین باد که ارتش ما

در این جنگ

منهزم شود!

در این شماره می‌خوانید:

\* قتل عام فلسطینیان، برنامه آمریکا برای خروج از

بحران مالی

\* نسل‌کشی ملت فلسطین

\* سیما و سیمین

\* مصاحبه خانم هندخوری نماینده مردم فلسطین با

روزنامه اومانیته

\* در تلاطم چالش‌های طبقاتی

\* به آرامی آغاز به مردن می‌کنی (شعر)

\* صد ساعت با فیدل (بخش اول)

\* اعتراض

قسمتی از شعر «به هنگام جنگ» از آهارون شابتی -

شاعر و نویسنده، مترجم و استاد دانشگاه عبری اورشلیم

- که در زمان لشکرکشی اسرائیل به لبنان به سال ۲۰۰۶

میلادی سروده شد.



نویسندگان مسئول مقالات خود هستند

بود، با تشدید بحران، به بیش از نصف قیمت ماه ژانویه سال ۲۰۰۸ پائین آورده شد والاآخر... البته، در دیگر زمینه‌ها و کشورها نیز وضعیت بهتر از این نیست و هر یک به فراخور حال، ارزش برابری پول ملی و مواد خام کشور را پائین آورده و از جیب مردم زحمتکش کشور خویش، کیسه گشاد آمریکا را پر می‌کنند تا تعادل پایه‌های اقتصادی امپریالیسم حفظ شود.

اما، به دلیل ناکارآمدی همه اینها و همه برنامه‌های «نجات» دولت آمریکا و دیگر کشورهای جهان، بحران مالی بطور همه جانبه گسترش یافت و بسیار طبیعی که، تداوم و تعمیق آن، اساس نظام سرمایه‌داری جهانی را مورد تهدید قرار می‌دهد. بنابراین، به منظور دفع این خطر، تقویت و تحکیم دیگر پایه‌های اقتصاد آمریکا، دولت آمریکا مجبور بود به اقدامات شدیدتر و خطرناکتر دیگری نیز دست بزند. از اینرو، برنامه تقویت فعالیت کمپانی‌های اسلحه‌سازی را به اجرا گذاشت و در اوایل ماه دسامبر سال گذشته، سلاح کشتار جمعی تازه دیگری با نام (SQ) را تولید کرد. این سلاح، نوع پیشرفته بمب‌های خوشه‌ایست که در هوا هزاران ترکش به اطراف پرتاب می‌کند. آمریکا، هم برای آزمایش این سلاح و نمایش قدرت آن و هم برای خروج از بحران مالی، به درگیر کردن یک جنگ و یا به عبارت دقیق‌تر، به یک اقدام تروریستی تازه نیاز داشت.

حال چرا این قرعه بنام فلسطین افتاد، سه عامل بسیار مهم در این امر مؤثر بود. اولین و مهمترین عامل، ضعف سیاسی - اقتصادی و ناتوانی نظامی و درماندگی ارتش آمریکا در پیشبرد جنگ در عراق و افغانستان اشغالی، که امکان حمله به یک کشور دارای ارتش دفاعی را از این کشور سلب کرده است، باعث شد تا به نوار غزه، منطقه‌ای که سالهاست بطور نهران و آشکار در محاصره بسر می‌برد و فاقد نیروی دفاعی است، حمله کند و از این راه، علی‌الظاهر بدون حضور مستقیم، آتش یک جنگ فراگیر منطقه‌ای را شعله‌ور سازد. طرح مسئله کمک‌های نظامی سوریه و ایران به حماس نیز در این راستا بود. علاوه بر این، حوادث ماه گذشته بمبئی هند و ایجاد تنش میان هند و پاکستان نیز همین هدف را دنبال می‌کرد که خوشبختانه، فعلاً به جنگ میان این دو کشور منتهی نشده است. به همراه این عامل، انتخابات ماه آینده در اسرائیل و پایان دوره «مأموریت» محمود عباس در تاریخ نهم ژانویه سال ۲۰۰۹ نیز به عنوان دو عامل مهم دیگر، در اجرای این اقدام تروریستی مؤثر بودند. هر دیدگاهی که تلاش کند قتل عام مردم گرسنه و تشنه نوار غزه را با بهانه‌ها و مستمسک‌های دیگری

## قتل عام فلسطینیان، برنامه آمریکا برای خروج از بحران مالی

متخصصان امور مالی و اقتصادی، خوب می‌دانند که اقتصاد آمریکا بر روی چهار پایه اصلی استوار است: ۱ - غارت ثروت‌های دیگر کشورها، ۲ - چاپ اوراق قرضه و اسکناس بی‌پشتوانه، ۳ - قمارخانه‌های وال استریت (بازارهای بورس) و ۴ - تولید و فروش انواع جنگ‌افزار. این چهار پایه اقتصادی چنان به هم چفت و بست شده‌اند که شکستن هر یک از آنها، می‌تواند در هم ریختن آن سه پایه دیگر را نیز موجب گردد.

بحران مالی - اقتصادی، که از قمارخانه‌های وال استریت آغاز شد، مرزهای آمریکا را زیر پا گذاشت و امروز حلقوم همه مردم جهان را می‌فشارد، به معنی درهم شکستن یکی از پایه‌های اقتصادی آمریکا بود. بدین ترتیب، یکی از چهار رکن اصلی اقتصاد آمریکا، پس تراج و به جیب زدن ثروت‌های عظیم مردم جهان، چنان درهم ریخت که، برنامه ۷۵۰ میلیارد دلاری دولت بوش و برنامه‌های مشابه دولت‌های اروپا و برخی کشورهای دیگر، همانطور که می‌بینیم در بازسازی آن مؤثر واقع نشد. در اینجا، بجاست این مسئله نیز بطور جدی مورد توجه قرار گیرد که؛ همه دولت‌های امپریالیستی و سرمایه‌داری در نجات آمریکا و اقتصاد آن، هر چند به اندازه‌های متفاوت، ذینفع‌اند. آنها به خوبی و به درستی درک می‌کنند که سقوط آمریکا به مفهوم شکست چماق سرکوب و دیکتاتوری امپریالیسم در جهان و به منزله سقوط جهانی نظام اجتماعی - اقتصادی سرمایه‌داری است. بدین جهت، این دولت‌ها، پشتیبانی و دفاع از سیاست‌های اقتصادی، نظامی و مالی آمریکا را بر منافع ملی کشور و مردم خود ترجیح می‌دهند و با استفاده از همه راهها و شیوه‌های نامعقول و غیرمنطقی، به یاری و کمک آمریکا و اقتصاد آن، برمی‌خیزند.

فراموش نمی‌کنیم که در آغاز بحران مالی، یک دلار آمریکا، برابر ۶۵ یورو سنت، ۹/۲۴، روبل روسیه و ۹۳۰ تومان ایران بود و امروز، با تعمیق بحران مالی و رکود اقتصاد آمریکا، نرخ برابری دلار، به ۷۶ یورو سنت، ۴۰/۲۹ روبل روسیه و ۱۱۵۰ تومان ایران رسیده است. یعنی، همزمان با شروع بحران مالی، نرخ برابری دلار افزایش داده شد و از جیب مردم اروپا، در حدود ۱۱ یورو سنت، مردم روسیه، ۳۱/۵ روبل و مردم ایران، ۲۲۰ تومان به ازای هر دلار بی‌پشتوانه، به حساب دولت آمریکا پرداخت می‌شود. قیمت هر بشکه نفت خام که در ماه ژوئن سال گذشت به بیش از ۱۵۰ دلار رسیده

را ندارد ولی، مردم آزاده جهان، با فریادهای اعتراضی خود، حکم محکومیت آنان را صادر کرده‌اند و دیر یا زود، حتی بعد از مرگشان، استخوان آنان را در بدنام‌ترین زباله‌دانی‌های تاریخ دفن خواهند کرد.

اشتباه دوم آمریکا در راه‌اندازی نسل‌کشی کم‌نظیر در نوار غزه، در این خلاصه می‌شود که، بار دیگر، بر صلاحیت، اعتبار و مشروعیت نهادهای بین‌المللی، بویژه شورای امنیت سازمان ملل متحد و اسرائیل، که با قابلیت هیتلر پا به عرصه وجود گذاشته است، خط بطلان بزرگی کشید. آمریکا با این اقدام تروریستی، بسیاری از محافل و مجامع سیاسی دولتی و غیردولتی را به بازخوانی پروسه تأسیس اسرائیل واداشت. پروسه‌ای که، مایرها، بگینها، شارون‌ها، اولمرت‌ها، باراک‌ها، لیونیه‌ها را از نقاط مختلف عالم، در خاک فلسطین گرد آورد و به قصابی انسان مشغول کرد. با کشتار غزه، مردم جهان را به بازبینی اعتبار و مشروعیت شورای امنیت سازمان ملل متحد وادار ساخت. شورای امنیتی که با هدف تأمین امنیت در جهان تأسیس شد ولی، عملاً، نه این که از اهداف اولیه‌اش فاصله گرفته است، حتی، اقدامات تروریستی دولت آمریکا را در اشغال و اسارت و کشتار کشور و مردم یوگسلاوی، افغانستان، عراق و دیگر کشورهای تحت اشغال، صورت قانونی بخشید. بطوری، که امروز کمتر انسان عاقلی می‌تواند اسرائیل را یک کشور مستقل و مجزا از آمریکا بشناسد و شورای امنیت سازمان ملل متحد را یک ارگان تأمین‌کننده صلح و امنیت در جهان ارزیابی کند. آمریکا با نسل‌کشی فلسطینیان غزه، سند رسوایی دموکراسی و حقوق بشر امپریالیستی را بار دیگر امضاء کرد و ثابت کرد که تنها دولت‌های امپریالیستی غرب هستند که حتی، حق بر زبان آوردن کلمات دموکراسی و حقوق بشر را ندارند. با بمباران بلاانقطاع غزه از زمین و هوا و دریا با پیشرفته‌ترین و مخرب‌ترین سلاح‌ها، نشان داد که شکست‌ناپذیری نظامی امپریالیسم، توهمی پیش نیست. امپریالیسمی که طی ۶ روز جنگ در سال ۱۹۶۷، سه ارتش بزرگ عربی را شکست داد، همه اراضی فلسطین، بلندی‌های جولان و صحرای سینا را اشغال کرد ولی امروزه، ۱۰ روز است که علیرغم بمباران‌های ویرانگر، از تصرف یک منطقه کوچک با مردم گرسنه و بی‌دفاع و بی‌سلاح، عاجز مانده است.

حال که کار جهان بدین منوال پیش می‌رود، خیانت و جنایت مقامات و دولت‌های امپریالیستی حد و مرزی نمی‌شناسد، کشتار، ویرانی و تاراج همه مرزها را در نوردیده است، تروریسم به سیاست دولتی تبدیل شده

توضیح دهد، بلاتردید، یک سرش به ارگان‌ها، نهادهای و مراکز امپریالیستی متصل است.

بدین ترتیب، حمله تروریستی وحشیانه به مردم فلسطین در نوار غزه، مردمی که به خاطر رأی‌شان، به خاطر انتخابشان مجازات می‌شوند، جزء اصلی برنامه ضد بحران مالی آمریکا است و اقدامی است در جهت تحکیم و تقویت منافع کمپانی‌های اسلحه‌سازی امپریالیسم. بی‌جهت نیست که از زمان شروع حملات تروریستی به مردم فلسطین، آمریکا برای سومین بار پیایی، از صدور قطعنامه شورای امنیت دایر بر آتش‌بس، جلوگیری کرد. اکنون سلاح تازه آمریکا در نوار غزه آزمایش می‌شود و همراه با بمب‌های ممنوعه خوشه‌ای، حرارتی، فسفوری و آغشته به اورانیوم، فلسطین را ویران می‌کند، می‌سوزاند و قتل‌عام می‌کند تا امپریالیسم را از بحران کشته نجات دهد. امروز، در حالی که زخم‌های خون چکان مردم و کشور یوگسلاوی، افغانستان، عراق، لبنان، دارفور، سومالی و... هر روزه تازه‌تر می‌شود، هنوز زخم‌های مردم ویتنام، کره، ژاپن، کل آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین التیام نیافته است، بار دیگر نوار غزه با پول و سلاح، دستور و نیروی آمریکا ویران می‌گردد، مردم آن قتل‌عام می‌شوند، نسل‌کشی واقعی براه افتاده است و دولت‌های عمده سرمایه‌داری و مجامع و ارگان‌های مسئول بین‌المللی، چنین جنایت هولناکی را تبه‌کارانه توجیه می‌کنند و در کمال خونسردی بیشترانه، نظاره‌گر آن هستند.

با این همه، آمریکا با این اقدام تروریستی خود مرتکب دو اشتباه مهلک شد: اول اینکه؛ این برنامه نیز مثل تمام تلاش‌هایش برای خروج از بحران مالی، بی‌نتیجه خواهد ماند و تنها نفرت و خصومت جهانی نسبت به خود را تشدید می‌کند. امروز جهان بسیار کوچک‌تر از آن است که ذهن سران امپریالیسم توان تصور آن را داشته باشند. امروز، صدای ضجه کودکان و زنان و مردان زخمی فلسطینی، فریاد و فغان زنده‌ها در هر شهر و ده، در هر کوی و برزن، در هر خانه و آلونک شنیده می‌شود. آثار ویرانی بمباران‌ها و اجساد تکه تکه شده کودکان، زنان و مردان فلسطینی در همه جا دیده می‌شود. نسل‌کشی فلسطینیان غزه، برخلاف تصور تروریست‌های آمریکائی، نه تنها موجب گسترش رعب و وحشت در میان مردم جهان نشد، حتی، این سبعیت‌ها و خونخواری‌ها، باعث اعتراضات میلیونی مردم در سراسر جهان گردید و خشم و انزجار عاقلانه آنها را تعمیق بخشید. هر چند امروز مراجع قضائی بین‌المللی توان محاکمه بوش، رایس، اولمرت، باراک، عباس، مبارک و دیگر جنایتکاران جنگی

حیفا را وادار نمود تا از تصمیم خود عدول نمایند. با این حال آلن پایپه اسرائیل را ترک نمود و در انگلیس اقامت گزید. هم اکنون وی به غیر از تدریس در دانشگاه‌های انگلیس، به فعالیت‌های گسترده‌ای به همراه نیروهای ترقی‌خواه فلسطینی و بین‌المللی برای کمک به مردم فلسطین مشغول است. نسل‌کشی ملت فلسطین در تاریخ دهم مارس سال ۱۹۴۸، ۱۱ نفر از رهبران قدیمی صهیونیست که در میان آنها دو افسر جوان نیز دیده می‌شدند، آخرین جرح و تعدیل‌ها را در برنامه‌ای که به قصد «نسل‌کشی فلسطینی‌ها» تنظیم کرده بودند، به عمل آوردند. همان شب اینان فرمان خود را به واحدهای نظامی ارسال داشته تا برای انجام عملی این برنامه در مناطق وسیعی آماده شوند. به همراه این فرمان‌ها، همچنین شیوه انجام کار نیز به طور دقیق توضیح داده شده بود که از چه شیوه‌هایی استفاده نمایند تا مردم را مجبور به ترک خانه‌هایشان نمایند و با ایجاد وحشت گسترده در میان ساکنان، محاصره و بمباران روستاها و مراکز مسکونی مردم، سوزاندن خانه‌ها، سوزاندن املاک و کالاهایشان، تخریب مؤسسات و مراکز کار و در نهایت مین‌گذاری روستاهای خراب شده، اهالی را وادار به ترک روستا نموده تا حدی که جرأت بازگشت به روستاهای مخروبه را نداشته باشند. بهر یک از واحدهای نظامی لیستی از روستاها و مناطقی که باید تخریب می‌شدند، داده شده بود که بر اساس برنامه‌ای که از قبل تنظیم شده بود مطابقت داشت. این برنامه نسل‌کشی نام اختصاری «دات» برخوردار داشت و چهارمین نسخه و در عین حال نسخه پایانی و توافق شده‌ای بود که با تفصیلات دقیق برنامه‌ای را که صهیونیست‌ها برای نابودی فلسطین و ساکنان اصلی آن داشتند، در بر می‌گرفت. «سمحا فلایان» که از تاریخ‌نویسان اولیه اسرائیل است در اهمیت نقشه‌های فوق توضیحات کاملی در کتاب خود آورده است. وی در قسمتی از کتابش چنین می‌نویسد: «حمله نظامی بر علیه اعراب و در عین حال حمله به نقاط روستائی تماماً در نقشه‌ای که بوسیله «هاگانا» تنظیم شده بود شرح داده شده است. هدف این نقشه نابودی همه مراکز روستائی و شهری فلسطینی‌ها بود.» این برنامه برگرفته از ایدئولوژی صهیونیستی بود که بر مبنای آن سرزمین فلسطین را متعلق به یهودیان می‌دانست. زد و خوردهایی که در مراحل بعدی با فلسطینی‌ها انجام می‌دادند به هدف ایجاد سرزمینی یهودی بود که کاملاً خالی از فلسطینی‌ها باشد. قبل از مارس ۱۹۴۸، زد و خوردهایی مابین یهودیان و فلسطینیان انجام می‌گرفت

است، دیر نیست که همه مردم آزاده، احزاب و سازمان‌های صلح‌دوست و ترقی‌خواه جهان به همت و پشتیبانی همدیگر، طومار تروریسم و دولت‌های تروریستی را در هم بیچینند. دور نیست توابعان و شرمندگان سیاسی که فریب دمکراسی و حقوق بشر امپریالیستی را خورده، اصل نجات‌بخش «کارگران جهان متحد شوید» را از گفتمان خود حذف کرده و به بازی با الفاظ بی‌محتوا مشغول بودند، به سوی مردم بازآیند و همگان دست در دست هم، مردم را برای دفع حملات تروریستی امپریالیسم سازماندهی کنند، نهادهای و ارگانهای مردمی را برای ارائه کمک‌های انسان‌دوستانه به مردم تروریسم‌زده در هر نقطه جهان تشکیل دهند، دولت‌های دست‌نشانده و عامل امپریالیسم را به قطع روابط و همکاری سیاسی، اقتصادی و نظامی با امپریالیسم آمریکا و پایگاهش اسرائیل - وادار سازند و آنها را در چنان انفراد و انزوایی فرو ببرند که در تنهائی صرف، خون همدیگر را سیر بنوشند.

الف - م - شیزلی

\*\*\*\*\*

## نسل‌کشی ملت فلسطین

مقدمه مترجم: مطلب زیر ترجمه‌ای از مقدمه کتاب «نسل‌کشی ملت فلسطین» است که توسط دکتر آلن پایپه تاریخ‌دان اسرائیلی به رشته تحریر درآمده است. وی شهروند اسرائیل، یهودی و آلمانی‌الصل می‌باشد که استاد مرکز «مطالعه خاورمیانه» در دانشگاه حیفا که رئیس هیئت امنای «انستیتوی امیل توما» برای مطالعات مسائل اسرائیل و فلسطین» در همین دانشگاه بوده است. وی یکی از پیشروترین استادان دانشگاه به حساب می‌آید و تألیف کتابی تحت عنوان «جدل میان اعراب و اسرائیل در سال‌های ۱۹۴۷ تا ۱۹۵۱» دلیل شخصیت برجسته این استاد است. اما تفکرات و شیوه عملکرد این استاد مورد قبول مسئولان دانشگاه حیفا نبود. آلن پایپه در سال ۲۰۰۷، دانشنامه یک تاریخ‌نویس اسرائیلی به نام «تیدی کاتس» را که در مورد قتل‌عام روستای طنطوره به پایان برده بود را مورد تأیید قرار داد، اما رؤسای دانشگاه حیفا «تیدی کاتس» را مجبور به پس گرفتن دانشنامه خود و وادار به عذرخواهی نمودند. همچنین در این رابطه، دکتر آلن پایپه را نیز از تدریس در دانشگاه خلع نمودند. اما حمایت دانشمندان و آکادمیسین‌های جهانی از پایپه، بویژه حمایت استادان دانشگاه‌های انگلستان از پایپه، و بدنبال آن تحریم دانشگاه حیفا از سوی این استادان مسئولین دانشگاه

سرپوش گذاشتن بر جنایات واقع شده بر فلسطینیان بود. اما در اسرائیل کم نبودند کسانی که به دفاع از حقیقت برخاستند از جمله اینان می‌توان از مایکل پالمبو یاد کرد که کتابی تحت عنوان «نابودی فلسطینیان» (Palestinian Catastrophe) تألیف و در سال ۱۹۸۷ منتشر کرد. وی در کتاب خود صحت نوشته‌های ولید خالدی را بر اساس اسناد سازمان ملل مورد تأیید قرار داد. بویژه در کتاب وی از مصاحبه‌هایی استفاده شده که در همان سال‌ها با آوارگان فلسطینی تهیه شده است. اما میتوان گفت امکان پیشروی بهتر در کشف حقیقت نسل‌کشی فلسطینی‌ها در سال‌های ۱۹۸۰ بوجود آمد که عده‌ای در اسرائیل تحت نام «تاریخ جدید» در نظر داشتند تاریخ‌نگاری خود را از دیدگاه صهیونیستی ارائه دهند و من نیز جزو آنان بودم. اما می‌گویم که تاریخ‌نگاران جدید، ما کوشش داشتیم به مسئله نسل‌کشی کاری نداشته باشیم و تنها به مسئله نکبت مردم بپردازیم. این گروه تازه تاریخ‌نگار به این دروغ سخیف دولت اسرائیل پی نبرده بودند که فلسطینی‌ها به میل خود سرزمین خود را ترک نکرده‌اند، ما در حین کار این دروغ بزرگ را از درون آرشیوهای ارتش اسرائیل کشف کردیم. ما به این نتیجه رسیدیم که فلسطینی‌ها با زور از روستاها و شهرهای خود رانده شده و نیروهای مسلح در این امر دست به اعمال گسترده قتل و جنایت زده‌اند. در اینجا ما تنها نیاز به شرح وقایع به شیوه داستان‌سرایی نداریم آنچنان که تاریخ‌نویسانی همچون «بنی موریس» انجام می‌دهند. ما باید دورتر رفته و حوادث را ریشه‌یابی کنیم. ما تاکنون نیمی از راه را رفته‌ایم. ما ریشه‌های واقعی مبارزه میان اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها را باید بطور دقیق بررسی کنیم و این به لحاظ اخلاقی برای ما امر واجبی است. ما باید به این سؤال پاسخ دهیم که چرا همچنان وقوع فاجعه نسل‌کشی فلسطینیان انکار می‌شود. در این زمینه کتاب ولید خالدی تحت عنوان «از یادمان نرود» کتابیست مستند از تک تک روستاهای تخریب شده که بطور دقیق به رشته تحریر درآمده است. این کتاب سند مستحکمی است از وقایع سال‌های ۱۹۴۸ که به عنوان ابزاری مهم برای توضیح حجم عظیم واقعه نکبت در زندگی مردم فلسطین و نسل‌کشی آنان می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. اما در کتاب حاضر کوشش فراوان و دقیقی بکار برده شده که ریشه‌های نسل‌کشی توضیح داده شود همچنین به منظومه کاملی از اطلاعات می‌توان دست یافت که چگونه اجازه داده شد تا جهانیان این نسل‌کشی را که در حق مردم فلسطین انجام گرفته فراموش کنند و

که حالت‌های فردی و انتقام‌جویانه داشت. اما پس از این تاریخ و با توافق بر سر نقشه «دات» از این پس جنگ بر علیه فلسطینی‌ها حالت نسل‌کشی و پاک کردن سرزمین یهود از وجود آنان در کل سرزمین فلسطین می‌شد. بعد از توافق کامل بر انجام برنامه «دات» و اجرای عملیات که به مدت شش ماه به طول انجامید، نیمی از مردم فلسطین یعنی ۸۰۰۰۰۰ نفر یا کشته شده بودند و یا به زور از سرزمین خود رانده شدند. ۵۳۱ روستا بطور کامل نابود و ۱۱ شهر از ساکنانش خالی شد. برنامه «دات» نشان‌دهنده آشکار نسل‌کشی و در دنیای امروز از نظر قانون بین‌المللی بعنوان «جنایت علیه بشریت» محسوب می‌گردد. پس از واقعه هولوکاست در اروپا، انعکاس جهانی آن جنایت‌های شنیع ضد انسانی را نمی‌شود پنهان کرد هم اکنون و با انقلاب در شیوه اطلاع‌رسانی در سطح جهانی نمی‌توان جنایات و فجایعی که در این و یا در آن گوشه جهان انجام گرفته را مخفی نمود. اما با وجود تمامی اینها، نسل‌کشی عظیمی که در حق مردم فلسطین انجام گرفته، بطور کلی از اذهان جهانیان محو شده است. در اینجا منظور من جنایت نسل‌کشی مردم فلسطین در سال ۱۹۴۸ می‌باشد که باید آن را افشا نمود. این فاجعه عظیم و در عین حال تعیین‌کننده که دارای اهمیت عظیمی در تاریخ ملت فلسطین است، بطور سیستماتیک و دقیق مورد انکار قرار گرفته و اجازه داده نمی‌شود که کسی به این حقیقت تاریخی اعتراف نماید و به شرح آن بپردازد، در صورتی که ما موظفیم به لحاظ اخلاقی و سیاسی با این حقیقت شجاعانه روبرو شویم. اسرائیلی‌ها قصه‌ای را ساخته‌اند مبنی بر این که «مردم فلسطین بنا به میل خود روستاها و شهرهای خود را یا فروخته و یا ترک کرده‌اند تا سربازان عرب بیایند و با یهودیان به جنگ پرداخته و دولت اسرائیل را نابود کنند.» تاریخ‌نویسان فلسطینی در پیشاپیش آنها آقای ولید خالدی در سال‌های ۱۹۷۰، توانست با جمع‌آوری خاطرات و یادداشتهای اصلی متعلق به هموطنان آواره‌اش بخشی از تاریخی را که صهیونیست‌ها در صدد محو کردنش بودند، زنده کند.

اما دولت اسرائیل به سرعت دست به کار شد و کتابهایی در رد آقای خالدی در اسرائیل به چاپ رسید تا قادر باشند بر حقیقت نسل‌کشی مردم فلسطین سرپوش بگذارند. از جمله می‌توان از کتابی به نام «تحریف ۱۹۴۸» نوشته آزمو لسی و کتاب دیگری نوشته دان کورتسمان که در ۱۹۷۰ به چاپ رسید و در سال ۱۹۹۲ دوباره تجدید چاپ شد، نام برد. هدف این کتاب‌ها

ملتی پیشرفته و متمدن می‌دانیم که چگونه با فلسطینی‌ها برخورد کرده و حقوق آنها را رعایت کنیم. فلسطینی‌ها در هر جهت بخش کوچکی از دنیای عرب غیرمتمدن و منفعل می‌باشند.» از زمانی که آمریکائی‌ها این نظریه دولت اسرائیل را پذیرفته‌اند، که تحلیلی بسیار تحریف شده و نادرست است، ما در ذهنیت خود، به صلح دست یافته‌ایم که من در اینجا باید بگویم ما با این سیاست به جایی نخواهیم رسید زیرا اساس مسئله را ندیده می‌گیریم. داستان حوادث سال‌های ۱۹۴۸ زیاد پیچیده نیستند. این کتاب تقدیم به کسانی می‌گردد که تازه به اسرائیل وارد می‌شوند و به کسانی که به مسئله فلسطین و اسرائیل اهمیت می‌دهند و می‌کوشند تا به نوعی به حل مسئله نزدیک شوند. این داستان بسیار ساده و در عین حال وحشتناک است. داستان کشتار ساکنان اصلی این سرزمین و این جنایتی بر علیه بشریت است. اسرائیل کوشیده آن را انکار و جهانیان را نیز وادار به انکار آن کند. زنده کردن این تاریخ که از اذهان بسیاری زدوده شده است وظیفه واجبی برای ماست. نه فقط برای تاریخ درستی که سال‌های قبل باید نوشته می‌شد و یا به عنوان وظیفه تخصصی یک تاریخ‌نگار، بلکه من این را وظیفه‌ای اخلاقی برای خود می‌دانم. اگر ما خواستار آنیم که به صلح فرصتی بدهیم، و مشکل ریشه‌دار مابین فلسطینیان و اسرائیلی‌ها را درک کنیم باید گام‌های اولیه در این زمینه را برداریم.

آن پایه برگردان احمد مزارعی

\*\*\*\*\*

## سیما و سیمین

بروزگاران کهن مردی بزرگ می‌پنداشت که:

زنان را بود بس همین یک هنر

نشینند و آرند شیران نر

اما دیری است که بروزگار ما زنان سرودی دیگرگونه می‌سرایند، و اگر همچنان شیران نر میزایند و با شیرۀ جان خویش آنان را می‌پرورند در میدان رزم زندگی بصد تباهی و سیاهی نیز، هم‌رزم و هم‌سنگر مردان، و گاه در پیشاپیش آنانند. زنان که جان می‌بخشند در برابر اهریمن مرگ حساسیت بیشتری دارند اما اینک دیگر دیر زمانی است که چون مادران دوران‌های کهن بر جنازهٔ پروردگان مرگ‌زدهٔ خویش مویه نمی‌کنند و بر سینه نمی‌کوبند بلکه دست در دست، هم‌زادان و زادگان خود در برابر مرگ و پیام‌آوران آن سینه سپر می‌کنند تا آنان را از پا درآورند.

در ده‌ها سال گذشته در میهن سرکوب شدهٔ ما بسا

مرتکبین این جنایات براحتی از دیده‌ها پنهان مانده‌اند. در هنگامی که جنبش صهیونیستی دولت خود را در فلسطین تشکیل داد، آنان وارد جنگی نشدند تا اجزایی را از سرزمین فلسطین اشغال کنند، بلکه هدف آنان پاک کردن سرزمین فلسطین از تمام ساکنان اولیه آن بود تا بتوانند دولتی یهودی آنچنان که در ایدئولوژی صهیونیستی آمده بود بوجود آورند. اینست راز سر به مهر نسل‌کشی مردم فلسطین. اما طرح این حقیقت از نظر بسیاری به مثابه اتهام در نظر گرفته می‌شود، زیرا با بسیاری از روایاتی که اسرائیلی‌ها از سال‌های ۱۹۴۸ انتشار داده‌اند مغایر است. من شخصاً ژنرال‌های اسرائیلی و همه کسانی که به این اعمال شنیع دست زده‌اند را به عنوان جنایتکارانی که به نسل‌کشی دست زده‌اند متهم می‌کنم. من متهم‌کننده هستم. اما من در عین حال بخشی از جامعه اسرائیل و از تدوین‌کنندگان این کتاب هستم و احساس می‌کنم که بخشی از داستانم، و در مورد وقایعی که اتفاق افتاده احساس مسئولیت می‌کنم. من همچون بسیاری دیگر که در این جامعه هستیم قانع شده‌ایم که باید به بازگشت برای کشف حقیقت تن در دهیم و این تنها راه درست پیشرفت بسوی آینده است، در آن صورت است که ما می‌توانیم جامعه‌ای سعادت‌مند برای خود و فلسطینی‌ها بسازیم. طی کردن این راه بسیار ضروری است و هدف من از تألیف این کتاب همین است. تا آنجا که می‌دانم تاکنون کسی قبل از من تعریف درستی از دو نوع روایت از حوادث نسل‌کشی سال ۱۹۴۸ بدست نداده است. اسرائیلی‌ها مدعی‌اند مردم فلسطین بنا به میل خود سرزمین فلسطین را ترک کرده‌اند، از آن سو فلسطینی‌ها نیز تعریف خود از نکبت را به شیوه درستی بیان نمی‌دارند. آنان بیشتر به تعریف و توصیف دردها و رنج‌های خود پرداخته‌اند. آنان به این مسئله نمی‌پردازند که چه کسانی و با چه اهدافی به این اعمال دست زده‌اند. در حال حاضر این چنین شده که فلسطینی‌ها شرح دردهای خود را در مقابل هولوکاست بهودیان مطرح می‌کنند. روشن نکردن و ریشه‌یابی نکردن نسل‌کشی فلسطینیان به آنجا منجر می‌شود تا جهانیان آنچه را که در سال‌های ۱۹۴۸ در فلسطین اتفاق افتاده را انکار کنند و در نتیجه این مسئله مهم از انظار پنهان مانده است. در کشور من اسرائیل، رهبران چنین می‌گویند که: «بیگانگان نمی‌توانند بفهمند، زیرا این داستان بسیار پیچیده است و ضرورت شرح آن هم نیست و نباید به آنان اجازه داد تا برای حل این مشکل در امور ما دخالت کنند. اگر کسانی در جهان نظریه و تعریف ما از حوادث این سال‌ها را فهمیده‌اند، همین اندازه کافیست. ما خود را

همه بی اعتبار شده‌اند. زمان آنست که ایالات متحده آمریکا، اروپا و جامعه جهانی برای خاتمه دادن باین اشغال غیرقانونی مسئولیتشان را پذیرفته و یک روند سیاسی درستی که در یک مدت زمان مناسب و معقول ما را به یک توافق صلح آمیز برساند در پیش گیرند. اومانیته - شما نماینده مردم فلسطین در فرانسه هستید. فکر می کنید موضع دولت فرانسه در این حملات تازه چگونه است؟

هند خوری - بطور سنتی، موضع دولت فرانسه بر روی ارزش‌ها و یک سیاست منصفانه بنا شده بود. حتی اگر بیانیتهای رسمی در همان جریان باقی می ماند، امروز مایه دل سردی و ناامیدی است که تحت ریاست دولت فرانسه در جامعه اروپا، جامعه اروپایی تصمیم بر آن گرفته است که روابط خود را با اسرائیل «ارتقاء» بخشد. این امر دلگرمی دادن به اسرائیل است. عدم مجازاتی که اسرائیل همواره از آن برخوردار بوده و مانع اصلی همه پیشرفت‌ها به طرف یک صلح پایدار می باشد. آنها به اسرائیل برای شکستن توافقی هایش، زیر پا گذاشتن حقوق بشر و حقوق بین المللی پاداش داده اند. این امر غیرقابل درک و نامفهوم است. برعکس امیدوار بودیم اروپا با روابطی که با اسرائیل دارد برای فشار بآن دولت استفاده کرده تا شرایط صلح را که برای همه روشن است بپذیرد. این امر زمانی روی داده است که فقط دو هفته قبل از این جنایت تازه اسرائیل در غزه می باشد. به نظرم برای این جنایت تازه اسرائیل یک توضیح لازم است و آن هم انتخابات آینده اسرائیل در ماه فوریه است. سیاستمداران اسرائیل خون فلسطینی‌ها را مباح دانسته تا آن که در نزد اسرائیلی‌ها «مردمی» جلوه نمایند. این از نظر اخلاقی و حقوقی غیرقابل پذیرش است. اومانیته - از فرانسه چه توقعی دارید؟

هند خوری - دولت فرانسه جدا از بیانیتهایش، ما بی صبرانه انتظار می کشیم که ابتکار عمل مشخصی بگیرد. گروههای حکومتی اسرائیل، چه راست یا میانه‌رو، نشان داده‌اند که علاقه‌ای به صلح ندارند. یک سال پس از کنفرانس آنابولیس Annapolis، بعد از آن که جامعه جهانی پذیرفته و اعلام داشته‌اند که ۷/۷ میلیارد دلار کمک برای برقرار کردن یک دولت فلسطینی اختصاص داده‌اند، هنوز از این هدف بسیار دور هستیم.

فرانسه و اروپا باید اقدام نموده و دیپلماسی خود را برای فشار بر اسرائیل بکار گیرند. در مدت چهل سال، کسی قدمی برای انجام چیزی براستی برنداشته است. اسرائیل از یک حق خیلی ویژه‌ای برخوردار می باشد که به آن اجازه می دهد در خارج از کادر حقوق و قوانین عمل نماید. باید به این مصونیت از مجازات پایان داده شود. هنگامی که شلیک موشک‌های حماس را محکوم

شیر زنان که در پیشاپیش سپاه زندگی و در نبرد با اهریمن مرگ از پا افتاده‌اند و اینک تاریخ زندگی مردم ما در سده بیستم نه تنها با عطر شیر زنان بلکه با رنگ خون آنان نیز درآمیخته است، و ما هم اکنون نگرنده و گواه، نه تنها هنر زائیدن و پروردن شیران نر، که هنرهای گونه‌گون آنان هستیم. آنان دیگر تیرگی و تباهی را نفرین نمی کنند بلکه با تمام توان خویش به نبرد رودررو با آن روی آورده‌اند و در این پهنه با جنگ‌افزارهای گونه‌گون، و از آن میان جنگ‌افزار هنر می جنگند.

در تاریخ سده بیستم ایران چه هنرمند رزمنده‌ای را میتوان از قمر و فروغ برتر دانست که در تمام زندگی خود یا آواز و شعرشان حلقه‌های پولادین زنجیر اسارت را از هم می گسستند و هم اینک کدام نره شیری رساتر از سیما و سیمین می تواند بگرد و با فریادهای بلند خویش پرده‌های جهل و تباهی را از هم بدرد و با ید بیضای خویش بر ما روشنی ببخشد؟ کدام؟

۱ - اشاره به سیمابینا و سیمین بهبهانی است.

۲ - بمناسبت اجرای کنسرت سیما بینا در پاریس نوشته شده ۱۳۷۳/۱/۱۶  
باقر مؤمنی

\*\*\*\*\*

## مصاحبه خانم هند خوری نماینده

### مردم فلسطین با روزنامه اومانیته

«ما همواره منتظریم که فرانسه ابتکار عمل مشخص و عینی‌ای در رابطه با کشتار و بمباران مردم غزه توسط دولت اسرائیل اتخاذ نمایند.»

در نوار غزه بیلان کشتار مردم بی دفاع روز بروز سنگین تر می گردد. واکنش شما نسبت به این حمله تازه دولت اسرائیل چیست؟

هند خوری - ما وحشت زده در مقابل این جنایت تازه، بویژه خونین، بر علیه مردم گرسنه، محاصره شده، فقر زده و بمباران شده هستیم. همزمان، اشغال در کرانه‌های غربی اردن و قدس شرقی (بیت المقدس) ادامه دارد که باید به همه اینها خاتمه داد. مردم فلسطین نیازمند به حمایت جهانی می باشند. اکنون زمانی است که جامعه جهانی باید با مسئولیت اقدام نموده تا اسرائیل به فوریت به حملات خود خاتمه داده و یک آتش بس موقت جدید برقرار شود تا آن که بتوانیم کوشش‌های آشتی فلسطینی‌ها را دنبال نموده و بویژه روند سیاسی‌ای که ما را به جایی برساند براه بیندازیم. در گذشته به اندازه کافی روند سیاسی داشته‌ایم که

بازداشت و زندان و شکنجه فعالین کارگری هنوز نیز تداوم دارد، زیرا نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی از خروش و مبارزات طبقاتی آنان وحشت داشته و منافع سیستم مذکور را در خطر جدی می‌بیند. این همه دستاوردی است که بوسیله خود کارگران و با مساعی همه جانبه و مستقلانه‌شان بار می‌آید و این نشان می‌دهد که مطالباتشان به تدریج اوج بیشتری خواهد یافت و واحدهای تولیدی و نیز کارگران بخش‌های دیگری را نشانه خواهد کرد و مبارزه طبقاتی علیه نیروی سرمایه را بطور واقعی توان قابل توجه‌ای خواهد بخشید. بر بستر چنین مبارزه‌ای است که در چشم‌اندازی دیگر و با پشت سر گذاشتن ایجاد نهادها و تشکلات ضروری کارگری، میدان مبارزه طبقاتی وسیع‌تر می‌شود و نیروی واحد پرولتری از بطن آن در پراتیک اجتماعی ظاهر خواهد گشت. آنچه مشخص است بویژه در ابتدای کار به همان اندازه که مبارزه طبقاتی سیر صعودی می‌پیماید، بطور اجتناب‌ناپذیر اختلافات نهفته در آن سر برون می‌کشند و به اشکال مختلف نمایان می‌گردند که به باور من از دیدگاه استراتژیک به تکامل و پالایش هر چه بیشتر مبارزه یاری خواهند رساند. البته پیکار اندیشه همواره باقی خواهد ماند با این تفاوت که در مراحل آغازین آن از پیچیدگی خاصی برخوردار است.

یکی از اختلافاتی که دامنه آن تا سطح بعضی از نیروهای کارگری در داخل و خارج از کشور کشیده شد و پاره‌ای از مباحثات را تحت الشعاع آن قرار داد، مسئله «سولیداریتی سنتر» یا «مرکز همبستگی» آمریکائی است (Solidarity Center).

واقعیت اینست که جلسه‌ای پالتاکی در تاریخ ۹ آذر ۱۳۸۷ برابر با ۲۹ نوامبر ۲۰۰۸ بوسیله ده نهاد کارگری در خارج از کشور سازماندهی شده بود تا دوستانی از «هیئت مدیره سندیکای نیشکر هفت‌تپه» با شرکت در آن، ضمن اشاره به مختصری از تاریخچه مبارزاتی کارگران نیشکر هفت‌تپه، تجربیات مبارزاتی خود را بازگو کنند و در رابطه با اهمیت تشکیل یابی کارگران به بحث و گفتگو بنشینند. در سمینار پالتاکی یاد شده، موضوع «سولیداریتی سنتر» از ایران طرح می‌شود و برای سلامتی جنبش کارگری ایران و مبارزه مستقلانه آن بدور از توطئه‌های داخلی و خارجی، نکاتی عنوان می‌گردد که پای آقای مهدی کوهستانی‌نژاد، کارمند «کنگره کار کانادا» (CLC) بمیان کشیده میشود. بطوری که وی نه به عنوان عضو «مرکز همبستگی آمریکائی»، بلکه در چارچوب همکار، روابطی را بین نهاد یاد شده امپریالیستی با بعضی از عناصر کارگری برقرار می‌نماید و کوشش‌هایی را بانجام میرساند که به نظر بسیاری

می‌کنند چون به اصطلاح برخلاف حقوق بین‌المللی است، حداقل بایستی از اسرائیل خواسته شود که زندگی افراد عادی را محترم بشمارد. ما، مردم عادی فلسطین، از زمان‌های خیلی دور قیمت بسیار وحشتناک و گزافی برای تجاوز به حقوق مردم که اسرائیل مسبب آن است می‌پردازیم.

اومانیتته - دوشنبه ۲۹ دسامبر ۲۰۰۸، ص ۴

در اینجا بد نیست از مکالمه تلفنی‌ای که بین یک عمو با برادرزاده‌اش در غزه در دوران حملات جنایت‌بار دولت اسرائیل به غزه صورت گرفته گوش فرا دهیم. او در انتهای مقاله‌اش که به نقل از مجله هفتگی بین‌المللی Courrier INT شماره ۹۴۹ مورخه ۱۴ - ۸ ژانویه ۲۰۰۹ گرفته شده می‌گوید: و یکی از برادرزاده‌هایم به من جمله‌ای گفت که هنوز در گوش‌هایم طنین‌انداز است: «عموی عزیزم، ما ایستاده می‌میریم، در حالی که از شرف و آبرو و حیثیت‌مان دفاع می‌کنیم. کشته شدن بوسیله گلوله‌های اسرائیلی‌ها خیلی شرافتمندانه‌تر از مردن از گرسنگی یا بیماری است!»

حمید باقری

\*\*\*\*\*

## در تلاطمات چالش‌های طبقاتی

جنبش کارگری ایران برای مطالبات طبقاتی در برابر نظام سرمایه‌داری جمهوری اسلامی و بر ضد کارفرمایان ایستادگی و مبارزه می‌کند و تشکلات خویش را ایجاد می‌نماید. مبارزه مذکور بطور عملی از چند سال قبل آغاز گشته است و با تجربیاتی غنی از سال‌هایی که سپری گشته‌اند با جوانه‌های نوینی که ریشه در استقلال فکری و عملی دارد، نهادهای طبقاتی خاص خود را در اقصا نقاط ایران برای تداوم هر چه بیشتر سازماندهی می‌کند. «کمیته‌های هماهنگی» کارگری یکی از پایه‌های اساسی مطالبات سیاسی - اقتصادی کارگری است. از قبیل «کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری»، «کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری» و نیز «اتحاد آزاد کارگری ایران» و غیره است. در این میان «اتحاد آزاد...» در رابطه با کارگرانی که اخراج گشته‌اند و در بیکاری بسر می‌برند، فعالیت می‌نماید. باید توجه داشت که پس از ایجاد «سندیکای شرکت واحد»، مبارزات کارگران نیشکر هفت‌تپه، خطه جنوب را علیه کارفرمایان نظم سرمایه فرا می‌خواند و تشکل مستقل سندیکائی خود را در کارخانه‌ای که دارای چهار هزار کارگر است، بوجود می‌آورد. همه اینها از اعتراضات طبقاتی مستمر که با تهدید و ارباب و دستگیری و شکنجه و زندان همراه است، نشو و نما می‌یابد.



امروز زندگی را آغاز کن! امروز مخاطره کن! امروز کاری کن! نگذار که به آرامی بمیری! پابلو نرودا - ترجمه شاملو	که حداقل یک بار در تمام زندگی ات ورای مصلحت اندیشی بروی...
---	--

\*\*\*\*\*

## صد ساعت با فیدل

### (بخش اول)

صد ساعت مصاحبه فیدل کاسترو با ایگناسیو رامون، روزنامه‌نگار فرانکو - اسپانیایی، به صورت کتاب، تحت عنوان «فیدل کاسترو، زندگی و بیوگرافی من از دو دیدگاه»، به زبان روسی منتشر شد و مراسم معرفی آن، با حضور فلیپه پرس روکه، وزیر امور خارجه کوبا برگزار گردید.

این کتاب از آن جهت که به صورت پرسش و پاسخ، تنظیم شده و فیدل جوابهای خود را شخصاً ویراستاری نموده است، بسیار جالب است. یک بار فیدل در یکی از گفتگوهای خود، این حادثه دراماتیک را تعریف کرد و گفت: «وقتی که من در شب ۲۷ ماه ژوئیه به سختی بیمار شدم، فکر می‌کردم که به آخر رسیده‌ام و در همان هنگام که پزشکان برای نجات زندگی من تلاش می‌کردند، رئیس دفتر شورای دولتی به درخواست من، متنی را قرائت می‌کرد و من اصلاحات لازم را به وی گوشزد می‌کردم».

خاطرات فیدل، از دوران کودکی تا اولین مبارزه انقلابی، تقریباً ۸۰۰ صفحه کتاب را احاطه کرده است. وی، مونکادا و صفحات مبارزه در سیرا - مائسترو را تحلیل می‌کند؛ از چه گوارا و بحران کارائیب حرف می‌زند؛ از صدها برنامه سوءقصد به خود صحبت می‌کند؛ از حادثه‌ترین و جدی‌ترین مسائل بحث می‌کند؛ با دفاع از سوسیالیسم کوبا، مسائل پیش‌روی کوبا را مطرح می‌سازد.

روزنامه «سووتسکایا راسیا» گزیده‌هایی از صفحات فصول آخر کتاب را با عنوان «صد ساعت با فیدل» منتشر می‌کند (و من نیز، همین صفحات را ترجمه نموده و در چند بخش، به علاقمندان فارسی زبان تقدیم می‌دارم. مترجم).

- در حال حاضر، چه مسائلی، به عنوان رهبر دولت، شما را نگران می‌کند؟

- امروز ما توجه خود را به مبارزه با تروریسم و مبارزه با جاسوسی متمرکز نموده‌ایم. ما برای آزادی پنج نفر قهرمان ملی کشورمان که در اسارت ایالات متحده آمریکا به سر می‌برند، مبارزه می‌کنیم. در امور داخلی، بر علیه هر گونه مظاهر فساد به مبارزه برخاسته‌ایم،

میتواند عواقب خطرناکی حداقل برای بخشی از جنبش کارگری ایران به همراه آورد. من نیز اگر تصمیم گرفته‌ام که در این زمینه نظراتم را عیان سازم، نه فقط بعنوان عضوی از ده نهاد همبستگی با کارگران ایران، بلکه از آنجا که سالهاست در خارج از کشور به کار اشتغال دارم و در بخش خدمات کارگری می‌نمایم، در تضادهای طبقاتی کار و سرمایه و همچنین بعنوان یک برابرطلب در اختلافات درون طبقاتی خود را سهیم و شریک می‌دانم.

بخشی از مقاله در تلاطم چالش‌های طبقاتی  
احمد بخردطبع

\*\*\*\*\*

## به آرامی آغاز به مردن می‌کنی

ناشناس صحبت نکنی. تو به آرامی آغاز به مردن می‌کنی اگر از شور و حرارت، از احساسات سرکش، و از چیزهایی که چشمانت را به درخشش وا میدارند، و ضربان قلبت را تندتر می‌کنند، دوری کنی...	به آرامی آغاز به مردن می‌کنی اگر کتابی نخوانی، اگر به اصوات زندگی گوش ندهی، اگر از خودت قدردانی نکنی.  به آرامی آغاز به مردن می‌کنی زمانی که خودباوری را در خودت بکشی، وقتی نگذاری دیگران به تو کمک کنند.
تو به آرامی آغاز به مردن می‌کنی اگر هنگامی که با شغلت، یا عشقت شاد نیستی، آن را عوض نکنی، اگر برای مطمئن در نامطمئن خطر نکنی، اگر ورای رویاها نروی، اگر به خودت اجازه ندهی	به آرامی آغاز به مردن می‌کنی اگر برده‌ی عادات خود شوی، اگر همیشه از یک راه تکراری بروی...  اگر روز مرگی را تغییر ندهی متفاوت به تن نکنی، یا اگر با افراد

نمی‌کند؟ چرا روزنامه‌نگار، مومیا ابو جمال را که بیش از ۲۳ سال در زندان است، آزاد نمی‌کنند؟ به چه دلیل با آزادی لئونارد پلتنیز، رهبر هندوها که ۲۵ سال است در زندان به سر می‌برد، مخالفند؟

- من به شما گفتم که ما، پس از پلینا - هیرون، ۱۲۰۰ زندانی را آزاد کردیم. آن وقت‌ها، زمانی که، بیش از ۳۰۰ سازمان ضد انقلابی فعالیت می‌کردند و کشور ما به میدان تاخت و تاز تروریسم و خرابکاران تبدیل شده بود، در حدود ۱۵ هزار نفر زندانی داشتیم.

- بعد از انقلاب، ۱۵ هزار نفر زندانی سیاسی داشتید؟  
- اگر آنها را زندانیان سیاسی می‌نامید، بنامید. من در باره آن سال‌ها به شما توضیح دادم. هیرون، بحران اکتبر، عملیات «مانوگست». دهها برنامه عملیاتی بر علیه کشور ما تنظیم شده بود، که بر اساس آنها، هزاران عملیات خرابکاری و تروریستی به اجرا گذاشته شد، باندهای مسلح سازماندهی شده بودند، جنگ کثیفی راه انداختند. ما در این جنگ، قربانی‌های زیادی دادیم، که تعداد آنها بسیار بیشتر از تعداد قربانیان خود جنگ بود. در سال ۱۹۷۶، هواپیمای مسافربری کوبا در جریان یک عملیات تروریستی، در هوا منفجر شد.

- همه مسافران و خدمه آن کشته شدند. عکس‌های آن دوره، شرکت میلیونها نفر را در حرکات اعتراضی نشان می‌دهند. ولی، ایالات متحده، لوئیس پاسادا کارلیس، مجری این جنایت، تروریست بین‌المللی را که، محاکمه و به عمل خود اعتراف کرده است، در ماه مارس سال ۲۰۰۵ پذیرفت و در اوج به اصطلاح «جنگ با تروریسم بین‌المللی»، به یکی از خطرناک‌ترین تروریست‌های بین‌المللی پناهندگی داد! آیا دو نوع تروریسم وجود دارد؟ تروریست خوب و تروریست بد؟ ما بارها با سئوالات بسیار مشخص و ساده از رئیس‌جمهور بوش، «بوشک» پرسیده‌ایم: به چه طریقی، پاسادا کارلیس به آمریکا رفت؟ با کدام کشتی؟ از کدام بندر؟ کدام یک از اخلاف شاهزادگان به وی اجازه داد؟ ممکن است برادر چاق و چله شما، جناب جنب بوش، فرماندار فلوریدا؟ البته، امیدوارم ایشان مرا به خاطر این طعنه ببخشند. این، انتقاد نیست، بلکه، صلاح می‌بینم ایشان برای حفظ سلامتی خود، به تمرین‌های ورزشی مشغول شوند و رژیم غذایی بگیرند. زیرا، من نگران سلامتی این جناب هستم! چه کسی پاسادا کارلیس را پذیرفت؟ چه کسی به وی اجازه داد؟ چرا کسی که خودسرانه او را تا ایالات متحده همراهی کرد، با خیال راحت در خیابان‌های فلوریدا و میامی می‌گردد؟ و این «بوشک» کوچولوی بی‌حیا، تاکنون از جواب دادن طفره رفته، خاموشی گزیده است. حاکمیت کشور برادر، مکزیکی نیز سکوت کرده است. مثل این که، آنها هم به خاطر مشغله زیاد، وقت ندارند پاسخ سؤال ما را بدهند.

کارزار باز هم جدی‌تر در راه دستیابی به منابع انرژی مقرون به صرفه‌تر و نوسازی کامل سیستم تولید انرژی کشور آغاز کرده‌ایم و آن، یک انقلاب واقعی در امر تأمین انرژی است. همچنین، در راه ارتقاء باز هم بیشتر کیفیت و بازدهی سیستم آموزشی و تأمین بهداشت و سلامتی مردم کشور فعالیت می‌کنیم. ما برای توسعه و تقویت برنامه‌های انترناسیونالیستی دولت، از قبیل حضور هزاران پزشک و کارکنان بخش طب کوبا در نقاط مختلف جهان، مثلاً، در پاکستان که زمین لرزه قربانی بسیار زیادی از میان انسان‌ها گرفت و ویرانیهای بزرگی به بار آورد و یا «عملیات شگفت‌انگیز» که در جریان نتایج خارق‌العاده‌ای بدست آوردیم، نیروی بزرگی صرف کرده و توجه زیادی معطوف داشته‌ایم. کشور ما با نگرانی بحران اقتصادی جهان را تعقیب می‌کند و ضمن نگرانی از مشکلات تأمین نفت، در جستجوی راه‌های ممکن برای مقابله با جنگ اقتصادی و سیاسی می‌باشد. کشور ما، توجه خود را به جدال در ژنو، کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، متمرکز نموده است که در آنجا، همان طور که همه می‌دانند، هر سال بیش از سال پیش، نمایشنامه‌های سراسر دروغ و افترا بر علیه ما به اجرا گذاشته می‌شود. آنها به مردم نمی‌گویند که، ۸۰ درصد مصوبات این کمیسیون برای رعایت حقوق بشر، بر اساس پیشنهادات کوبا بوده است.

- اغلب کوبا را به خاطر زندانی کردن مخالفان سیاسی مورد انتقاد شدید قرار می‌دهند.

- چه کسی هزاران نفر ضد انقلاب را قبل از اتمام مدت محکومیت‌شان آزاد کرد؟ البته که دولت کوبا، نه دولت ایالات متحده آمریکا. ایالات متحده، از هر بازداشت قانونی در کشور ما سوءاستفاده نموده و بر علیه ما کارزار تبلیغاتی راه می‌اندازد. قوانین شما اروپائیان بر علیه جرایم سیاسی، بسیار خشن‌تر از قوانین کشور ماست. زندان‌های انگلیس پر از ایرلندی‌هایی بود که به دلائل سیاسی و میهن‌پرستی زندانی شده بودند. فراموش نکنید زمانی که زندانیان اعتصاب غذا کردند، انگلیسی‌ها بسیاری از زندانیان ایرلندی را از گرسنگی کشتند. اسپانیایی‌ها، قوانین بسیار سختی را بر علیه زندانیان باسک، که در راه احقاق حقوق سیاسی خود مبارزه می‌کنند، به مورد اجرا می‌گذارد. ایتالیا، هنوز هم اعضای «بریکادهای سرخ» را که بیش از ۳۰ سال پیش فعالیت می‌کردند، در زندان نگه می‌دارد. ما می‌دانیم که، در نتیجه رفتار به غایت خشن آلمانی‌ها با اعضای بادر، تقریباً همه آنها در زندان جان باختند. فرانسه عده زیادی از اهالی جزیره کورس را به دلایل شرکت در مبارزات سیاسی، زندانی کرده است.

- پس چرا ایالات متحده پرتوریکوهای را که از استقلال پرتوریکو دفاع می‌کنند، از زندان آزاد

است، به خدمت آن و ضد انقلاب درآمده است. گاهی وقتها، از اعلام برخی مسائل، احساس ترس به آدم دست می‌دهد زیرا، این تصور وجود دارد که دشمن می‌تواند از آن در جهت مقاصد خود سوءاستفاده نماید. ما روشن کردیم که در مبارزه با واقعیات منفی، کار ارگانه‌های مطبوعاتی از اهمیت بسزائی برخوردار است. بنابراین، روحیات انتقادی را تقویت کردیم. ما اطمینان یافتیم، که بسط دادن روحیات انتقادی بسیار ضروری است. من آن را تا حداکثر تقویت کردم، به طوری که این امر، یکی از واقعیتهای نشان دهنده بلوغ سیستم ما محسوب میشود. ما می‌دانیم که، موانعی وجود دارند، ما از انتقاد مستدل، صرفنظر از هر گونه عواقب آن، جانبداری می‌کنیم. البته، مسائل باید در کمال دقت و مسئولیت انتخاب شوند تا هیچ اطلاعات اضافی که تأثیر مثبت در اجرای برنامه‌های نابودی انقلاب، در اختیار دشمن قرار ندهد. مشکل اساسی انقلابیون هم، همین مسئله است.

- کدام رسانه‌های جمعی آزاد نمی‌تواند با انقلاب ناسازگار باشد؟

- چه کسی به اینها رسانه‌های «آزاد» نام داده است؟ از کدام آزادی حرف می‌زنند؟ چه کسانی می‌نویسند؟ آنچه را که صاحبان روزنامه‌ها و کانالهای تلویزیونی می‌خواهند، نوشته و گفته می‌شود. شما، این را خوب می‌دانید. از «آزادی بیان» حرف می‌زنند ولی، در واقعیت امر، مسئله اصلی آنها، دفاع از اصل مالکیت خصوصی بر رسانه‌های جمعی است.

من صراحتاً به شما می‌گویم اینجا، در کوبا، رسانه‌ها مالک خصوصی ندارند. اما، سازمانهای مختلف توده‌ای، مثلاً؛ دانشجویان، کارگران، اتحادیه‌ها، دهقانان، حتی نظامیان، دارای ارگانه‌های مطبوعاتی خاص خود هستند. باور کنید که، با آزادی کامل، هر آن چه را که عاقلانه و مناسب تصور می‌کنند، می‌نویسند.

به جای تردید کردن در مورد متدهای ما که حاصل و نتیجه ۴۰ سال مقاومت در مقابل فشارهای همسایه مقتدر است، بهتر بود از مردم ما پرسیده شود که آنها خود را آزاد می‌دانند یا نه.

- در کوبا، سانسور برخی روزنامه‌های خارجی را هم ممنوع کرده است و منتشر نمی‌شوند.

- خواهش می‌کنم. اینجا روزنامه‌های خارجی زیادی، روزنامه‌های معتبر و جدی آمریکائی و اروپائی، فروخته می‌شوند. ما اینها را برخلاف آنچه که می‌نویسند، تحمل می‌کنیم. روزنامه‌ها در اکثر مراکز تجاری در معرض فروش گذاشته می‌شوند و با ارز می‌توان آنها را خرید. هر توریست و یا تبعه کوبا که ارز در اختیار داشته باشد، می‌تواند آنها را بخرد و پخش کند. در اینجا هیچ کس، از آنچه که این روزنامه‌ها بر علیه انقلاب می‌نویسند و یا از دروغ‌های بسیار کانال‌های تلویزیونی مثل؛ CNN، نمی‌ترسد.

به خیره‌سری آنها نگاه کنید! به راحتی دروغ می‌گویند، و وقتی که یک پرسش ساده و بی‌تکلف مطرح می‌کنیم، ماهها می‌گذرد، جواب نمی‌دهند. در مقابل این همه توطئه و تعرض‌های شدید آنها در طول تمام این سال‌ها، کوبا چه کار باید می‌کرد؟ بلی، قوانینی بودند، قوانین سنگین و سختگیرانه، ولی، هیچ زندانی در زندانهای کوبا فوت نکرد، هیچ کس بدون محاکمه، مجازات نشد. ما بیشتر در موضع دفاعی بوده‌ایم. دفاع از خود، به معنی جنایت نیست. هیچ حادثه تاریخی نبوده است که به این و یا آن شکل از خود دفاع نکنیم. دفاع از خود، قانونی‌ترین کاری است که می‌توان انجام داد. در غیر این صورت، از همه چیز دست بکش، برو پی رهبانیت، روحانیت و به تبلیغ «مژده‌های نیکو» مشغول شو. من مخالف تعالیم دینی نیستم. زیرا، آنها هم دارای بار مثبتی هستند. ولی، ما واعظ و یا روحانی نیستیم. ما در چهارچوب معین اخلاقی، راه سیاست انقلابی را در پیش گرفته‌ایم.

- بر علیه هوگو چاوز، رئیس جمهور ونزوئلا هم حملاتی سازمان داده شد.

- هم شما می‌دانید و همه جهان هم از این مسئله آگاه است. دولتی را که از خود دفاع نکند، به خاک می‌مالند. به حوادثی که در ونزوئلا روی می‌دهد، نگاه کنید. ما در این باره صحبت کردیم. چاوز، بیشتر از هر کسی حقوق دمکراتیک و حقوق بشر را محترم می‌شمارد و از آنها دفاع می‌کند. بر علیه دولت، کودتا کردند، رئیس جمهور را دزدیدند، زندگی او را مورد تهدید قرار دادند. کودتاگران کسی را که بعد از چند ساعت فرار کرد، به ریاست دولت گماردند. این شخص، تمام حقوق سیاسی، حقوق بشر و آزادی‌ها را به خشن‌ترین وجه زیر پا نهاد، پارلمان را منحل نمود، دولت قانونی را کنار گذاشت، رادیوها را تعطیل کرد، میهن پرستان را دستگیر و به زندان انداخت. همه اینها، از کارهای کارمونی فاشیست، رئیس مجلس فدرال، قیم گروه الیگارش‌ی بود. پس از آن، آنها با اعتصاب نفت بازی را ادامه دادند. با این همه، در آن کشور حتی یک نفر به دلائل سیاسی زندانی نشد.

- وقتی که مطبوعات را می‌خوانیم، به اخبار رادیو و تلویزیون شما گوش می‌کنیم، چنان تصور می‌کنیم که، همه امور کشورتان رو به راه است، فقط به پیروزی و موفقیت دست یافته‌اید. آیا هیچ مشکلی نمانده است، ناراضیانی وجود ندارند؟ عجیب است زیرا، وقتی که من پیش خود، مباحثات درون حزب را تصور می‌کنم، اختلاف نظرها و بحث‌ها را از نظر می‌گذرانم، می‌دانم که انتقادات شدیدی هست.

می‌بینید که در طول مدت طولانی در اینجا چنان زمینه‌ای فراهم شده است که، اظهارات انتقادی و علنی کردن واقعیتهای منفی بازیچه دست دشمن شده

Iran have undertaken the destruction of Khavaran Cemetery, the only known site of mass and individual graves of the victims of the Great Massacre of political prisoners in the summer of 1988 and other non-Moslem dissidents executed in Iran throughout the Seventies.

I beg your honor the urgently take action demanding the authorities of the Islamic Republic of Iran to immediately stop this barbaric operation.

The destruction of Khavaran in tantamount to the eradication of an important material evidence of a historic crime.

Respectfully

از طریق ای میل

InfoDesk@ohchr.org

آدرس پستی

Bureau du Haut-Commissariat aux droits de l'homme  
Palais Wilson  
rue des Pâquis 52  
CH-1201 Genève, Suisse

\*\*\*\*\*

**تک شماره: ۲ اورو**

برای مکاتبه با ما میتوانید از آدرس الکترونیکی زیر استفاده کنید  
Goun-e-Goun@hotmail.fr

**خواننده گرامی، ماهنامه‌ای که در دست دارید تریبون آزادی است برای بحث و مناظره سالم در زمینه‌های علمی، اقتصادی، اجتماعی و... این نشریه به هیچ گروه و حزبی وابستگی نداشته و از هیچ گرایش خاصی پیروی نمی‌کند. هزینه طبع و نشر منظم گونه‌گون با کوشش و همکاری جمعی از ایرانیان آزاداندیش تأمین میگردد.**

**گونه‌گون حق آزادی بیان و قلم و فکر و اندیشه را محترم شمرده و برای درج مطالب نگارندگان خود محدودیت نظری قائل نیست مگر مقالاتی که در آن به شخص یا اشخاص حقیقی و حقوقی اهانت شده باشد.**

**دوره اول این نشریه از ژوئیه ۱۹۹۷ میلادی شروع و به ماه اکتبر دو هزار و شش میلادی پایان یافت.**

**دوره دوم آن از نوامبر دوهزار و شش تا به امروز ادامه دارد.**

البته، ما نمی‌توانیم برای وارد کردن مطبوعات خارجی پول صرف کنیم، زیرا، ما به چیزهای دیگری، مثل، انرژی مقرون به صرفه، خواروبار، بهداشت و تندرستی، اولویت قائلیم. واردات مطبوعات، جزء اولویتهای ما نیستند. همچنین، ممکن است در فروش برخی روزنامه‌ها که به طور سیستماتیک به تبلیغات ضد انقلابی بر علیه ما می‌پردازند، محدودیتهایی ایجاد شود. به منظور تفرقه‌اندازی و ایجاد اختلاف، واقعیتها را تحریف می‌کنند و دروغ و افترا، شایع می‌سازند. ما با این کارها مقابله می‌کنیم و اصلاً، چرا باید به فروش روزنامه‌های ضد انقلاب اجازه بدهیم؟

مخالفان ما، در باره آزادی مطبوعات، زیاد حرف می‌زنند ولی، وقتی که به نفع آنها نباشد، وقتی که کوبا برخی واقعیتها را آشکار می‌کند، آنها را هم چاپ نمی‌کنند. شما می‌دانید که، هر ارگان مطبوعاتی، مطابق مواضع مشخص صاحبان آن رسانه جمعی می‌نویسد؛ یکی با آزادی نسبتاً بیشتر و دیگری کمتر. البته، ناگفته نماند که، رسانه‌های جمعی مستقل هم زیاد هستند.

...

ادامه دارد.

\*\*\*\*\*

## **اعتراض کنید این متن را برای کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل ارسال کنید**

**عالی جناب ناوانتیم پیلی، کمیسر عالی حقوق بشر  
ملل متحد**

با درد و اندوه فراوان آگاه شده‌ایم که مأموران جمهوری اسلامی در فاصله ۲۰ تا ۲۷ دی‌ماه ۱۳۸۷ گورهای فردی و جمعی گلزار خاوران را ویران ساخته‌اند و سپس با ریختن خاک نرم در سطح زمین صاف گشته، به درخت کاری در این تنها گورستان شناخته شده جان‌باختگان کشتار بزرگ تابستان ۱۳۶۷ و نیز دگراندیشانی که پیش از آن تاریخ به دست آمران و عاملان جمهوری اسلامی کشته شده‌اند، برآمده‌اند. ما از شما می‌خواهیم که با استفاده از کلیه اختیارات و امکاناتتان از ویرانی و نابودی این گورستان که سند جنایتی بزرگ است و نماد حافظه تاریخی مردم ایران، به فوریت پیشگیری کنید. با احترام...

Your Excellency Ms. Navanethem Pillay High  
Commissioner of Human Rights at the UN

With deep disbelief and disdain we have become  
aware that the authorities of the Islamic Republic of